

بررسی تحلیلی نقوش گیاهان مقدس و اساطیری دوره ساسانی (در نقش برجسته و گچبری و مهر)

نفسیه صداقت

دکتر باستان شناسی دوران تاریخی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آمل، آمل، ایران. استادیار واحد

email:sedaghatnafiseh59@yahoo.com

چکیده

در دوره ساسانی آثار هنری بیشماری خلق شده است که از جمله نقوش گیاهان مقدس و اساطیری می باشد که مساله پژوهش دسته بندی کردن این نقوش و پی بردن به مفاهیم نمادین و اسطوره ای هر کدام می باشد و هدف مقاله بررسی تعدد نقوش گیاهی به کار رفته در روی این آثار به همراه مفاهیم آنها در این دوره می باشد. تمامی این نقوش به صورت روش تطبیقی-تحلیلی در این آثار انجام شده است که به صورت جدولی دسته بندی گردیده است که بیانگر آن است که هر کدام از این نقوش در کدام آثار وجود دارد و همچنین مفاهیم نمادین و اسطوره ای این نقوش در دوره ساسانی بدست آمده است. نتیجه این است که: گیاهان و تقدس آن‌ها، ماندگاری، جاودانی، قداست، شکوه و ویژگی‌های مافوق طبیعی شخصیت‌های اسطوره‌ای و مذهبی را متجلی می کنند و گل نمادی از زیبایی بوده و در دین مزدیسنا، گل‌های عطرآگین بسیار مورد توجه بوده است.

واژگان کلیدی: ساسانی-گیاهان - نقش برجسته - گچبری - مهر

مقدمه

تمدن ساسانی از عرصه‌های مهم هنری ایران باستان می‌باشد. هنر این دوره، هنری درباری و مجلل بوده و تا حدودی ادامه دهنده سنت های هنری هخامنشیان نیز بوده و از طرفی تأثیرات هنر اشکانی را نیز داشته است. در مورد نقوش گیاهی بر روی نقش برجسته ها و گچ بری ها و مهرهای ساسانی باید گفت که ارتباط مستقیمی با اسطوره‌ها و آیین‌های مردم آن زمان داشته است. بر این اساس در دوره ساسانی نیز نقوش گیاهان مقدس و اساطیری را می توان به نحوی در تعامل با باورهای مذهبی مردم و مقدس شمردن گیاهان در آن بازه تاریخی دانست، لذا اجتناب از تقلیل نقوش نقش برجسته ها و گچ بری ها و مهرها در دوره ساسانی به عناصر تزئینی و صرفاً زیبایی شناسانه، و رمزگشایی آنان برای به دست آوردن درک درستی از جهان بینی و باورهای مردم آن زمان ضروری می نمایاند. هدف این مقاله، رمزگشایی و تفسیر نمادین نقوش گیاهی است که به بررسی و مطالعه بر روی اسطوره‌ها و مفاهیم و آیین‌های مذهبی این دوره می‌پردازد. در واقع مطالعه این نقوش بستری را می گشاید که از آن طریق میزان و کیفیت باورها و اعتقادات مردم ساسانی و رابطه متقابل دولت با مردم میسر می‌شود. نقوش گیاهی در دوره ساسانی در هنرهای مختلفی مانند: نقش برجسته‌ها، آثار گچ‌بری و مهرها به طور مکرری اجرا شده است. این نقوش، در مواقعی نقشی صرفاً تزئینی ایفا می‌کنند و گاهی نیز دارای معانی نمادین هستند و به اسطوره‌ها متصل می‌شوند. در دنیای باستان، گیاهان جلوه‌ای از قداست بودند و در جادوی درمان و کشاورزی نقشی مهم ایفا می‌کنند. در واقع در جوامع باستان، گیاهان کارکردی نمادین دارند و هر یک دارای صفاتی ویژه می‌باشند (اسماعیل‌پور، ۱۳۷۷: ۷۱). بر اساس روایات در مورد تکوین کیهان از دیدگاه زردشتی، گیاه چهارمین آفریده

اهورامزدا در جهان مادی پس از آفرینش آسمان و آب و زمین بود و هدف از این آفرینش یاری رساندن به چهارپای سودمند بیان شده است (هینلز، ۱۳۹۱: ۸۹). از گیاهانی که در ایران باستان و بخصوص در هنر دوره ساسانی مورد توجه بوده‌اند: انگور، انار، خرما، گل رز، گل لاله، نیلوفر، درخت مقدس، برگ کنگر، بلوط، هوم و برسم است که در هنرهای مختلف این دوره متجلی شده‌اند. و سوال اصلی تحقیق این است که از کدام نقوش گیاهی مقدس و اساطیری در نگارندها و گچ‌بری ها و مهرها استفاده شده و مفاهیم نقوش نمادین و اسطوره ای هریک در دوره ساسانی چه می باشد و هر کدام از این نقوش در کدام یک از این سه سبک هنری وجود دارد؟

روشی پژوهشی

این پژوهش بر اساس هدف، از نوع تحقیقات بنیادی - نظری است و بر اساس ماهیت و روش، از نوع تحقیقات تاریخی-تطبیقی است. در این پژوهش قراین تاریخی و شواهد باستان شناختی به منظور حصول نتایج علمی و منطقی با یکدیگر مطابقت داده شده است. گردآوری اطلاعات در این تحقیق نیز به شیوه اسنادی (کتابخانه ای) و با کمک روش تطبیقی می باشد. با توجه به اینکه مساله مورد پژوهش بسیار گسترده بوده و مطالب و اسناد پراکنده بوده است و در کتب آثار به صورت تاریخی توضیح داده شده که در این تحقیق به صورت تطبیقی انجام شده است و بسیار پیچیده و مشکل بوده است که با بکارگیری شیوه تطبیق دادن، نوعی ترکیب میان نشانه شناسی، مطالعات اجتماعی (متعلق به آن عصر) و انسان شناسی به وجود می آورد. از طریق آنالیز نقوش و ارجاع نشانه ها به متون فرهنگی نشان می دهد، هنرمند آگاهانه از باورهای اساطیری بهره گرفته است. نگارنده با کمک این روش در این پژوهش، سعی در ارائه ارزیابی و دسته بندی و آنالیز و تفسیری نمادین و اسطوره ای از نقوش گیاهی بکاررفته در نگارندها و گچبری ها و مَهرهای دوره ساسانی دارد. هم چنین نقوش گیاهی را در جدولی به صورت تفکیک شده که هر نقش در کدام آثار نگارندها و گچبری ها و مهرها استفاده شده و به همراه مفاهیم نمادین و اسطوره ای هر کدام مورد تطبیق و تحلیل قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

در رابطه با نگارندها و گچبری ها و مَهرهای ساسانی، پژوهش‌هایی توسط محققان ایرانی و خارجی صورت گرفته است که در اکثر موارد به توصیف آنها و نقوش شان پرداخته شده است و در مواردی به مفاهیمشان نیز اشاره گشته است. قابل ذکر است که در بسیاری از کتب اسطوره و نماد شناسی نوشته شده توسط نویسندگان برجسته دنیا در رابطه با مفاهیم این نقوش در ایران باستان بسیار ناچیز اشاره شده و اگر هم باشد تا دوره هخامنشی را در بر می گیرد و به دست آوردن این مفاهیم در دوره ساسانی نیازمند کنکاش و مطالعات گسترده ای بوده است. این پژوهش از آن جهت تازه و قابل اهمیت است که به تحلیل و بررسی تمامی نقوش جانوری حقیقی و اسطوره ای و ترکیبی به کار رفته در این آثار و آنالیز و تطبیق هریک و مفاهیم نمادین و اسطوره ای هر کدام را بدست آورده در جدولی ارائه شده است.

-جیمز هال در کتاب فرهنگ نگاره ای نمادها در هنر شرق و غرب نوشته است که انسان روزگار باستان برای بیان ناشناخته‌هایی که با آن مواجه بوده، دست به خلق اسطوره‌ها و نمادها و آیین‌ها زده است و در واقع بن‌مایه‌های انتزاعی و ماورالطبیعی روزگار باستان به گونه اسطوره‌ها و نمادها و آیین‌ها در آمده است. رمزپردازی و یا نمادگرایی یک ابزار دانش کهن و قدیمی‌ترین و اصولی‌ترین روش بیان مفاهیم

است. نماد به سادگی چیزی است که به جای چیز دیگر به کار می‌رود و نشانه آن است یا بر آن دلالت دارد. (هال، ۱۳۹۲: ۱۴).

-کاسیردر کتابش تحت عنوان زبان و اسطوره بیان می‌کند که: اگر فرم اسطوره و فرم هنر واقعا یک کل را تشکیل دهند و این کل وحدتی سیستماتیک داشته باشد، در آن صورت سرنوشت هر یک از این فرمها به سرنوشت دیگری وابسته خواهد بود. (کاسیر، ۱۳۹۰: ۵۴)

قابل ذکر است که در این زمینه، محققان بسیاری کار کرده‌اند که می‌توان به فیلیس اکرم (۱۳۸۷)، ایدت پرادا (۱۳۷۵)، گیرشمن (۱۳۹۰)، روبل گوبل (۱۳۸۴) و ریکا گیزلن اشاره کرد که هر کدام سعی در شناسایی نقش و کارکرد آنها در دوره ساسانی داشته‌اند. همچنین در این زمینه پژوهش‌هایی در قالب پایان-نامه و مقاله نیز توسط پژوهش‌گران ایرانی صورت گرفته است که از جمله در رابطه با مهرهای ایران باستان، کتابی از دکتر حسن طلایی (۱۳۹۲) تحت عنوان «مهر در ایران از آغاز تا صدر اسلام» می‌باشد کتاب «مهر و حکاکی در ایران» (۱۳۸۷) نوشته محمد جواد جدی است که در فصلی، راجع به مهرهای ساسانی نیز توضیحاتی ارائه گشته است. همچنین مصباح اردکانی و ابوالقاسم دادور (۱۳۸۷) در مقاله‌ای تحت عنوان: «نقش مایه زن بر روی مهرهای ایران از دوره پیش خطی تا پایان دوره ساسانی»، به نقوش زن و جایگاه زن بر روی مهرهای دوره ساسانی پرداخته‌اند.

-آرتور کریستین سن در کتاب ایران در زمان ساسانیان خود به این نتیجه رسیده است که ظهور ساسانیان در ایران علاوه بر ایجاد تحول سیاسی دگرگونی مذهبی را نیز به همراه داشته است. شهره وادی و فریدون آوزمانی در کتاب سنگ نگاره های ساسانی به این نتیجه رسیده اند که یکی از سنت های هنری ایران ساخت نقش بر جسته بوده با موضوعات مذهبی و غیر مذهبی و ترکیبی بوده است. دکتر موسوی حاجی و دکتر علی اکبر سرافراز در کتاب نقش برجسته های ساسانی که در دست چاپ است، نقش برجسته های ساسانی را از دیدگاه نوع صحنه و بر اساس تقدم وتأخر زمانی مورد مطالعه قرار داده اند. کتاب نقش برجسته‌های نو یافته ساسانی نوشته میرزا محمد حسنی می باشد. کتاب سیر تحول هنری نقش برجسته های صخره ای ایران نوشته آقای رضایی نیا می باشد که چنین گفته است: دوره ساسانیان همه نقوش مبین عظمت پادشاه و پیروزی او بر دشمنان و خواری دشمنان و پیوند قدرت شاه با قدرت اهورامزداست.

از حدود سی و پنج نقش برجسته ی ساسانی ۲۷ نقش برجسته ی دیگر در استان فارس و در محل های مختلف: فیروزآباد، نقش رجب، نقش رستم، بیشاپور، تنگ قنذیل، گویوم، برم دلک، سرمشهد، سراب بهرام و دارابگرد، یک نقش برجسته در رگ بی بی افغانستان، یک نقش برجسته در شهر ری استان تهران، یک نقش برجسته در استان آذربایجان و شهر سلماس و پنج نقش برجسته در استان کرمانشاه و در محل معروف به تاق بستان حجاری شده اند. نقش برجسته های ساسانی اکثرا نمادین هستند و بیشتر آنها را همواره می توان با تابلوی اعلانات یکی دانست. آنها پیام نسبتا ساده ای را در مقیاسی بزرگ در مکان عمومی مناسبی، با هدف تاثیرگذاری بر رهگذران نمایش می دهند.

گچبری ها

از دوران حکومت ساسانی، آثار فراوانی در دست است که بی تردید نشانگر روحیات هنری و خلاقیت ذهنی هنرمندان در آن عصر می باشد. محل های باستانی گچبری در این دوره: بندیان درگز- بیشاپور نزدیک کازرون- تپه حصار دامغان - تپه میل ورامین- تخت سلیمان در آذربایجان- جزیره خارک- چال ترخان عشق آباد- نظام آباد- حاجی آباد- شوش- قصرابونصر شیراز- قلعه ضحاک هشترود- قلعه یزدگرد دالاهو- کاخ فیروزآباد- هونگ نوروزی ایذه و قلعه هزار فومن می باشد.

در دوره ساسانی گچ کاری و گچبری مقام مهمی در هنر تزیین داشته است؛ در این دوره فن های خاصی به همراه نقوش مختلف حیوانی، انسانی، گیاهی و نقوش هندسی برای این هنر اجرا شد که از به کارگیری و تلفیق این عناصر در هنر گچ بری مناظر جالب توجه ی عرضه شد که باعث تحولاتی در عرصه های دیگر هنر آن دوران گشت. در هنر گچ بری ساسانی نیز تصورات و اعتقادات عصر، راهنمای هنرمند بوده و بیشتر آنچه در تزیینات گچبری بر دیوارها نقش می بست نماینده ی باورها و نگرش های مردمان نسبت به جهان هستی بود که خواه ناخواه مفاهیم و تصورات بنیادی مردمان را با نشانه ها و اشکال نمادین به نمایش می گذاشت (خالدیان، ۱۳۸۷: ۲۲). قسمت اعظم آثار بازمانده ی گچ بری دوره ساسانی را نقوش گیاهی تشکیل داده است. در برگه های ترکیبی گیاهی تا حدودی طرح های هندسی جای خود را به طرح های گیاهی داده اند، منتهی با اندکی تغییر و با کاربردی از طرح های استیلیزه که در نوع خود بی نظیر بوده و طرح های گچ بری را شامل شده اند. قطعاتی از گچبری دارای طرح های گیاهی با نقوش استیلیزه، در شهرتیسفون به دست آمده که اینک زینت بخش تالار ساسانی موزه متروپولیتن در نیویورک است (انصاری، ۱۳۶۶: ۳۲۸). مهم ترین نقوش گیاهی که در آثار گچ بری دوره ساسانی مشاهده می شوند عبارت اند از: نخل (پالمت)، تاک و پیچک، گل

نیلوفر(لوتوس)، میوه انگور، آکانتوس، گل چند پر(روزت)، نقش بلوط و همچنین نقش های استیلیزه شده شبیه برگ انجیر، نخل، کنگر و نیلوفر که این نقوش را در گچبری های کاخ تیسفون، بیشاپور، چال ترخان و کیش به وفور مشاهده می کنیم.

مهرها

در دوره ساسانی، حکاکی بر روی سنگ‌های نفیس و یا نیمه‌نفیس بسیار مرسوم بوده است و مهرها مورد استعمال عامه مردم بوده‌اند به عنوان گواهی و سند معاملات بازرگانی در آرشیو، نگه‌داری می‌گشته‌اند. (huff, 1987: 378). مهرها از دوره سلطنت قباد اول رواج بیشتری نسبت به دوره های قبل پیدا کرده است و از نظر شکل، مهرهای اداری بزرگ‌تر از مهرهای غیر اداری بوده‌اند (perkhanian, 1997: 214). مهرها و گل‌مهرهای ساسانی از پنج انبار مهم کشف شده که بدین قرار می‌باشند: قصر ابونصر در نزدیکی شیراز که از آن در حدود ۵۰۰ مهر به‌دست آمده، تخت سلیمان در آذربایجان در حدود ۳۰۰ مهر، از آق‌تپه یا ایورد قدیم در ترکمنستان در حدود ۳۰ مهر، از تپه کبودان در گرگان بیش از ۶۰ مهر و همچنین در یک انبار در دوین ارمنستان بیش از ۱۰۰ مهر گلی پیدا شده است. سایت های جدید حاوی مهرها و اثر مهرها از ارمنستان در سالهای اخیر نیز کاوش شده است. لازم به ذکر است که این مهرها همه متعلق به دوره ساسانی و اوایل دوره اسلامی می‌باشند (اشراقی و نادری قره‌بابا، ۱۳۸۶: ۱۳).

مهر اداری برای موبدان و روحانیون آتشکده‌ها و یا افراد صاحب منصبی مانند آمارگر ساخته می‌شده است و مورد استفاده آنان بوده که احتمالاً این‌گونه مهرها از دوره سلطنت قباد اول رواج بیشتری نسبت به قبل پیدا کرده است و از نظر شکل، مهرهای اداری بزرگ‌تر از مهرهای غیر اداری بوده‌اند (perkhanian, ۱۹۹۷: ۲۱۴).

همچنین با توجه به اثر مهرهای به دست آمده بر روی گل‌مهرها در مکان‌هایی مانند تخت سلیمان و قصر ابونصر از دوره ساسانی، گروهی معتقدند که این گل‌مهرها به عنوان برجسب به بسته‌ها و یا درب کالا، برای تأیید کیفیت آن و یا تأیید صاحب مهر وصل می‌شدند و بعد از اینکه از کالا جدا شدند، به عنوان گواهی و سند معاملات بازرگانی در آرشیو، نگه‌داری می‌گشته‌اند (huff, ۱۹۸۷: ۳۷۸).

در مورد مهرهای ساسانی نیز شاید بتوان گفت که مالکین آن‌ها با انتخاب تصاویر خاص برای حکاکی بر روی مهر، سعی در جلب نیروهای ماورایی و خدایی را داشته‌اند تا بدین طریق از حمایت خدایان برخوردار شوند و از لحاظ روانی موجب آرامش خاطرشان شود و نیز از مهر به عنوان نشانه تملک بهره برند. نکته قابل توجه در نقوش مهرهای ساسانی، اهمیت اسطوره‌ها و نمادهای مرتبط با آن است که این اسطوره‌ها، اکثراً اسطوره‌های زردشتی است و بنابراین می‌توان نقوشی را روی مهرها مشاهده کرد که از

آیین‌ها و رسوم زردشتی حکایت دارند و تقریباً گویای نگرش مذهبی و اسطوره‌ای مردمان عصر ساسانی می‌باشند (perkhanian, ۱۹۹۷: ۱۶۴).

نقوش گیاهان مقدس و اساطیری

نقوش گیاهی در دوره ساسانی در هنرهای مختلفی مانند: نقش برجسته‌ها، آثار گچ‌بری، مهرها و... به طور مکرری اجرا شده است. این نقوش، در مواقعی نقشی صرفاً تزئینی ایفا می‌کنند و گاهی نیز دارای معانی نمادین هستند و به اسطوره‌ها متصل می‌شوند.

گیاهان قسمت مهم آفرینش اورمزد به شمار می‌رفتند، زیرا هم منبع غذایی مهم بوده‌اند و هم به عنوان دارو مصرف می‌شده‌اند. همچنین گیاهان مخلوقاتی هستند که در نبرد مقابل اهریمنان، سودمند می‌باشند و در واقع در نبرد اورمزد و اهریمن در مقابل خشکسالی که اهریمن به وجود خواهد آورد، مقاومت می‌کنند (اسماعیل پور، ۱۳۷۷: ۷۱).

در اسطوره‌های ایران باستان، نخستین آفریده‌های اورمزد به روایتی، "امشاسپندان" هستند که به معنی نامیرایان مقدس می‌باشند؛ امشاسپندان جلوه‌های اورمزد به شما می‌آیند و هر کدام از آنها دشمن مستقیمی در میان دیوان دارند که از مخلوقات اهریمنی است. در میان شش و یا هفت امشاسپند، امشاسپند آمرداد حامی زندگی گیاهی است و سرور گیاهان به شمار می‌رود (آموزگار، ۱۳۷۰: ۱۹-۱۶). در اساطیر، معمولاً نام خرداد و آمرداد با هم ذکر می‌شوند زیرا این دو امشاسپند با آب و گیاه مرتبط هستند و هدایای آنان ثروت و رمه چهارپایان است، به گونه‌ای که این دو نماینده آرمان‌های نیرومندی، سرچشمه زندگی و رویش هستند (هینلز، ۱۳۹۱: ۷۵).

بر اساس روایات در مورد تکوین کیهان از دیدگاه زردشتی، گیاه چهارمین آفریده اهورامزدا در جهان مادی پس از آفرینش آسمان و آب و زمین بود و هدف از این آفرینش یاری رساندن به چهارپای سودمند بیان شده است. سپس با قربانی گاو یکتا آفریده، گیاهان از بدن او رویدند: «چون گاو در گذشت، پنجاه و پنج نوع غله و دوازده نوع گیاه دارویی از اندام‌های او رویدند.» (هینلز، ۱۳۹۱: ۸۹). همچنین در اساطیر مهری، وقتی میترا گاوی را می‌کشد از تن گاو قربانی، زندگی به صورت غله آشکار می‌شود و این نوید-بخش زندگی و آفرینش در آیین میتراپی است (آموزگار، ۱۳۷۰: ۲۳).

مفهوم نمادین درخت از هر نظر، حتی امروز که در عصری غیر آیینی به سر می‌بریم با بسیاری از شئون فرهنگ و زندگی مردم آمیخته است (بهار، ۱۳۷۶: ۴۳) برای گروه‌های مختلف، درختان متفاوتی، درخت زندگی تعریف شده است. در ایران دوره ی هخامنشی و ساسانی درخت زندگی به شمار می‌رفته است و نیز درخت نخل، انجیر، درخت سدر، زیتون و چنار در ایران مقدس شمرده شده می‌شوند (دادور و

منصوری، ۱۳۸۵: ۱۰۰) نمونه هایی از درخت نخل را در زمان ساسانی در گچ بری های بیشاپور می توانیم ببینیم که درون این کنگره ها یک درخت خرماي تزئینی سربرافراشته، هر نخل دو جفت برگ خرما به شکل بال دارد که یکی در بالای دیگری است بال های برگ خرمایی امکان دارد اصیل ترین شکل برگ خرماي تزئینی ساسانی باشد (پرادا، ۱۳۷۵: ۳۰۸) روی مهرهای ساسانی نیز نقوش گیاهی مربوط به درخت نخل که مقدس بوده و دو جانور شاخ دار در دو سوی این درخت ایستاده اند دیده می شود (دادور و منصوری، ۱۳۸۵: ۱۰۳).

همچنین گل در فرهنگ ایران باستان، نمادی از زیبایی و لطافت بوده و در دین مزدیسنا، گل های عطرآگین بسیار مورد توجه بوده است، تا جایی که بسیاری از گل ها در آتش سوخته می شوند تا از بوی خوش آن ها در فضای آیین های مذهبی استفاده شود. در منابع اساطیری ایران، گل به آتش نیز مربوط می شود؛ بطوری که از میان آتش های مقدس آتش اوروازشت، آتشی است که در تخم گیاهان وجود دارد و شکوفه گیاهان را نیک چهره می سازد (زکریایی کرمانی، ۱۳۸۵: ۱۱۷).

در ایران باستان بنا بر متونی چون بندهش، سرشت گل ها از ایزدان و امشاسپندان است و گل ها موجوداتی آسمانی دانسته می شوند. در متن بندهش آمده است که برای هر ایزد و هر امشاسپند نام گلی معادل شده که این نام گل می تواند به روزی از روزهای ماه که به نام ایزد نام گذاری شده نسبت داده شود و این نشانگر اهمیت گل برای مردمان ایران باستان و به خصوص دوره ساسانی می باشد (زکریایی کرمانی، ۱۳۸۵: ۱۱۸).

گل نیلوفر

گل نیلوفر در اساطیر ایران و هند تصویری از مادینه ی هستی، آفرینش و خلوص تجسم یافته است. در روایات کهن ایران گل نیلوفر (لوتوس) را جای نگه داری تخمه یا فر زرتشت، که در آب نگه داری می شد، می دانستند و از این رو، نیلوفر با آیین مهری پیوستگی نزدیک می یابد (آموزگار و تفضلی، ۱۳۷۰: ۸۱). درباره ی تصاویر مربوط به گل نیلوفر در زمان ساسانیان باید به نقش منصب یافتن اردشیر اول از اهورامزدا روی کنگره های ساسانی یاد کرد. در تصویر زیر پای میترا سمبل گل نیلوفری جای گرفته که، نشان آفرینش و زندگی است و نقش مذهب در قدرت شاهی را نشان می دهد. ۱۲ عدد پره های نیلوفر در ارتباط با ۱۲ ماه سال است و نیلوفر محل تولد ایزد میترا نیز می تواند باشد. در زمان ساسانیان روی یک سری از گچ بری های تیسفون و بیشاپور و چال ترخان نقش روزت های ساسانی که همان گل نیلوفر است دیده می شود. نکته مهم در این تصویر قرار گیری این نقوش در طرح ها و موتیف های گرد است (پرادا، ۱۳۵۷: ۳۰۷ - ۳۰۶). نیلوفر دارای زیبایی منحصر به فرد و ضمنا سمبل و تجلی و نمودی از علائم مقدس و مذهبی است. در بین نقوش گچبری چال ترخان نقش آناهیتا بر روی چند خشت مربع با آرایش مو و گردن بندی بر گردن با آرایش گل لوتوس را شاهد می باشیم.



شکل ۱- نقش اعطای نشان به اردشیر در حضور ایزد مهر که روی گل نیلوفر ایستاده است و برسم در دست دارد. طاق بستان (منبع: Flandin، ۱۹۸۵: ۲۷۹)



شکل ۲- نقش گیاهی لوتوس در گچ بری کاخ چال ترخان، موزه بوستون، (منبع: www.raeeka.wordpress.com)

هوم

گیاه هوم یکی از گیاهان مهم در آیین زردشتی است. در واقع هوم در دنیای مینوی ایزد است و در دنیای گیتی گیاه به شمار می‌رفته است. هوم گیاهی اساطیری است که در ته دریای فراخکرد می‌روید و بی‌مرگی می‌آورد و در بازسازی جهان به کار خواهد آمد (آموزگار، ۱۳۹۱: ۳۶). شیره این گیاه طی مراسم خاصی گرفته می‌شود و در مراسم مذهبی نوشیده می‌شده است. در واقع هوم در جهان مینوی ایزد است و در جهان مادی گیاه به حساب می‌آید؛ همچنین در کتاب اوستا از هوم به عنوان دوردارنده مرگ یاد شده و مورد تقدیس قرار گرفته است (عفیفی، ۱۳۸۳: ۳۵).

برسُم

یکی از آیین‌های زردشتی که با گیاه در ارتباط است برسُم گرفتن است. برسُم عبارت بوده از شاخه‌های درختانی مانند: انار، درخت گز و یا هوم که شاخه‌ها را به اندازه معینی می‌چیدند و به هم می‌بستند و در مراسم مذهبی، روحانیون زرتشتی به نشانه سپاس از گیاه و طبیعت در مقابل آتش به دست می‌گرفتند. احتمالاً مراد از برسُم به دست گرفتن در نزد زرتشتیان، احترام و بزرگداشت گیاه و نباتات است که مانند سایر مواهب طبیعی مفید بوده‌اند (زکریایی کرمانی، ۱۳۸۵: ۱۱۶). نقش برجسته اردشیر اول در نقش رستم که مراسم دیهیم ستانی یا همان گرفتن حلقه ی پادشاهی را نشان می‌دهد، اهورامزدا حلقه ی پادشاهی یا دیهیم را با دست راست به اردشیر می‌دهد و در دست چپ او برسُم قرار دارد.



شکل ۳- مراسم تا جگیری اردشیر یکم، نقش رستم، (منبع: گیرشمن، ۱۳۲: ۱۳۹۰)

انار

پردانگی انار، نماینده ی برکت و باروری است و نمادی از باروری آناهیتا می‌باشد. اما میوه ی انار، در داخل برگ پالم (برگ نخل) مختص دوره ی ساسانی است و در اواخر دوره پالمت های شکافته شده، به صورت یک جفت بال در می‌آیند که نماد باروری و حاصلخیزی است و جنبه ی روحانی دارد. در تعدادی از مَهرهای این دوره نقش شکوفه انار حک شده است که دارای مفهومی نمادین می‌باشد. در برخی از آثار گچ بری، طرح برگ انار بر روی ساقه ی متحدالمرکزی قرار دارد که آن را از غنچه تا مراحل گل و میوه و گاه به صورت طرح های استیلیزه ملاحظه می‌کنیم.



شکل ۴- مهر ساسانی با نقش شکوفه انار (منبع: <http://www.sigilla.at/HtmlEn/index.html>)



شکل ۵- نقش انار داخل برگ های نخل، کاخ تیسفون، (منبع www.metmuseum.org)

گل لاله

نقش این گل معمولاً به صورت سه شاخه‌ای است با سه گل و در مواردی به صورت تک گل ارائه شده که دارای سه گلبرگ نوک تیز می‌باشد و انتهای شاخه گل با روبانی نیز بسته شده است. در سنت زرتشتی، گل لاله اختصاص به ایزد "اشتاد" دارد که به معنی راستی است. این ایزد نمادی از عدالت و نمادی زنانه است. نقش گل لاله معمولاً در دست انسان به صورت منفرد و یا در دستان زن و مرد که نشانه‌ای از پیوند ازدواج است، نیز نشان داده شده است و احتمالاً نمادی از راستی و صداقت و وفاداری بوده است. این گل همچنین نمادی از باروری، رشد و فرخندگی است و در شاهنامه مظهري از صبر و تقوا می- باشد (Brunner, 1980:117).



شکل ۶- مهر ساسانی از جنس سنگ یمانی با نقش گل لاله (منبع: مجموعه موزه

متروپولیتن <http://www.metmuseum.org>)

گل رز

این گل معمولاً با سه گلبرگ و دو کاسبرگ نقش شده و نیز ساقه آن به وسیله روبانی در انتها بسته شده است. برورنر (۱۹۸۰: ۱۱۶) گل رز را نمادی از ایزد "دئنا" (دین) می‌داند. نمادی از وجدان و نیروی نیکوکاری انسان باشد. همچنین گل رز مانند گل لوتوس، به نماد چرخ نزدیک است و وجه کلی آن در ارتباط با پیدایش و منتج از آب‌های اولیه است که بر روی این آب‌ها گل سرخ برپا می‌ایستد و گل می‌دهد (شوالیه و گربان، ۱۳۸۴: ۷۴۴)

این گل معمولاً با سه گلبرگ و دو کاسبرگ نقش شده و نیز ساقه آن به وسیله روبانی در انتها بسته شده است. برونر (۱۹۸۰: ۱۱۶) گل رز را نمادی از ایزد "دئنا"^{۲۲} (دین) می‌داند. نمادی از وجدان و نیروی نیکوکاری انسان باشد. همچنین گل رز مانند گل لوتوس، به نماد چرخ نزدیک است و وجه کلی آن در ارتباط با پیدایش و منتج از آب‌های اولیه است که بر روی این آب‌ها گل سرخ برپا می‌ایستد و گل می‌دهد (شوالیه و گبران، ۱۳۸۴: ۷۴۴).



شکل ۷- مهر ساسانی با نقش گل رز (منبع: مجموعه موزه

متروپولیتن <http://www.metmuseum.org>)

درخت مقدس

درخت مقدس در دوره ساسانی معمولاً در میان دو طاووس و یا اردک، غزال، قوچ و یا نقش جانوران اسطوره‌ای و ترکیبی مانند گاو بالدار، لامسو و ... قرار دارد که در واقع نگهبان درخت مقدس می‌باشند، تصویر گشته است (خزایی، ۱۳۸۶: ۹). طاق بزرگ طاق بستان دارای پایه‌هایی است که بر روی دو ستون قرار گرفته‌اند و بر روی این دو ستون نقوش گیاهی با تزیینات فراوان مشاهده می‌شود. تکرار این نقوش بر روی ستون‌های کوچک‌تر علاوه بر جنبه‌ی تزیینی می‌تواند جنبه مذهبی آیینی و تقدس داشته باشد. در ایران دوره هخامنشی و ساسانی، درخت سرو، درخت نخل، درخت انجیر، درخت سدر، درخت زیتون و چنار جزء درختان مقدس محسوب می‌گشته‌اند (دادور و منصور، ۱۳۸۵: ۱۰۰). بر روی مهری از دوره ساسانی نقش درخت مقدس همراه با دو قوچ محافظ حک شده است که این درخت شباهت به درخت نخل دارد.



شکل ۸- نقش درخت زندگی، طاق بستان، (منبع: <http://irantourism.akairan.com>)



شکل ۹- مهر ساسانی متعلق به قرن ۴ م. از جنس سنگ یمانی با نقش

درخت مقدس و دو قوچ (منبع: موزه بریتانیا <http://www.British Museum.com>)

انگور یا تاک

انگور یا تاک از دیگر گیاهان اساطیری است که نقش آن را در هنر دوره ساسانی خصوصاً گچ بری ها به وفور مشاهده می کنیم و نماد امید باروری و فراوانی است (دادور و منصور، ۱۳۸۵: ۶۴). شاخه های به هم پیچیده ی تاک و میوه ی آن بر روی گچ بری های کاخ تیسفون، کیش و چال ترخان به چشم می خورد. بر روی گچ بری چال ترخان و بر روی شاخه ای از درخت تاک، پرنده ای شبیه عقاب یا کبک دیده می شود و اطراف آن نقش گل و بوته و انار نیز در هر دو اثر موجود به چشم می خورد.



شکل ۱۰- گچبری با نقش انگور، کاخ تیسفون، (منبع:

www.metmuseum.org/Collections)

درخت خرما (بالمت)

درخت خرما در ایران باستان درخت مقدسی به شمار می رفته است و نمونه های زیادی از آن را در زمان ساسانی در گچبری های بیشاپور می توان دید. از آنجایی که در کهن سالی نیز ثمره خوبی می دهد، مظهر طول عمر و کهن سالی توأم با سلامتی است. فرم این گیاه در موتیف های مذهبی جنبه ی تقدس داشته و به عنوان شگون و برکت مورد استفاده قرار می گرفته است (اتینگهاوزن و یار شاطر، ۱۳۷۹: ۲۳۹). این نقش نماد باروری، شگون و برکت و نماد پادشاهی است و در آثار گچ بری کاخ کیش و تیسفون و همچنین کاخ تپه حصار دامغان مشاهده می شود و در دوره های بعد تکامل یافته و به فرم اسلیمی تبدیل شده و در نقوش کاشی و فرش تجلی یافته است



شکل ۱۱- حاشیه تزئینی، اواخر دوره ساسانی، منطقه نظام آباد ایران،

موزه مترو پولیتن، (منبع: www.metmuseum.org)



شکل ۱۲- نقش گیاهی پالمت در گچ بری کاخ تیسفون، (منبع: www.metmuseum.org)

نقش بلوط

این نقش به عنوان عنصر تزئینی در گچبری های دوره ساسانی به کاررفته است. نمونه ای از این نقش در آثار گچ بری کاخ کیش و تیسفون به دست آمده آمده است. در این نقش علاوه بر کاربرد نمادین گیاه و میوه بلوط که نشانه امنیت، باروری و دوام است، ویژگی بارز دیگر هنر ساسانی یعنی قرینگی را مشاهده می کنیم. هنرمند دوره ساسانی به زیبایی با پیچ و تاب دادن گیاهان از آن ها بهره برده و زمینه ساز نقوش تزئینی گیاهی در دوره های بعد و به ویژه نقوش اسلیمی در دوره اسلامی شده است (اتینگهاوزن و یار شاطر، ۱۳۷۹: ۲۳۹).



شکل ۱۳- برگ های درهم رفته که در انتهایشان دارای میوه بلوط هستند،

کاخ تیسفون، (منبع: www.metmuseum.org)

برگ کنگر (آکانتوس)

نقش آکانتوس نیز برگه شیبه به کنگر یا تاک است و از نظر فرم تقریباً به برگ های پالمت نزدیک است ولی برگ های آن پهن تر است. این نقش توسط یونانیان باستان برای تزئین مورد استفاده واقع می شد. نقش آکانتوس در گچبری هایی از کاخ بیشاپور و کاخ تیسفون استفاده شده است. تزئینات گچ بری طاقچه ای در کاخ بیشاپور که هم اکنون در موزه ی لوور نگهداری می شود و ستون های یادبود در بنایی که برای یادگار شاپور یکم برپاشده است نیز نقوش درهم پیچیده ی برگ کنگر استفاده شده است. مرور آثار

باستانی ایران و حتی اقوام آسیایی نشان می دهد که گیاه آکانتوس هیچ جایگاهی در فرهنگ و اسطوره مشرق زمین ندارد و به احتمال زیاد دارای خاستگاه در اندیشه اسطوره ای یونان باستان است. سر ستون کورنتی، بیانی رسمی از یک گیاه آکانتوس است (زکریایی کرمانی، ۱۳۸۵: ۱۱۷).



شکل ۱۴- نقش برگ های کنگر در تزیین حاشیه، کاخ

تیسفون، موزه مترو پولیتن، (منبع: www.metmuseum.org)

نتیجه

در هنر ساسانی، همواره حضوری از نیروی مافوق طبیعی در قالب نماد رخ می نماید و پیوسته جهان خاکی آدمیان را با الهیات پیوند داده است. در این دوره پشت هر نقشی الگویی کهن وجود دارد که به صورت نمادین خود را ظاهر می سازد. نقوش گیاهی در مواقعی نقشی صرفاً تزیینی ایفا می کنند و گاهی نیز دارای معانی نمادین هستند و به اسطوره ها متصل می شوند. گیاهان و تقدس آنها، ماندگاری، جاودانی، قداست، شکوه و ویژگی های مافوق طبیعی شخصیت های اسطوره ای و مذهبی را متجلی می کنند. گیاهان قسمت مهم آفرینش اورمزد به شمار می رفتند، زیرا هم منبع غذایی مهم بوده اند و هم به عنوان دارو مصرف می شده اند. همچنین گیاهان مخلوقاتی هستند که در نبرد مقابل اهریمنان، سودمند می باشند و در واقع در نبرد اورمزد و اهریمن در مقابل خشکسالی که اهریمن به وجود خواهد آورد، مقاومت می کنند. همچنین گل در فرهنگ ایران باستان، نمادی از زیبایی و لطافت بوده و در دین مزدیسنا، گل های عطرآگین بسیار مورد توجه بوده است، تا جایی که بسیاری از گل ها در آتش سوخته می شوند تا از بوی خوش آنها در فضای آیین های مذهبی استفاده شود. در منابع اساطیری ایران، گل به آتش نیز مربوط می شود؛ به طوری که از میان آتش های مقدس آتش اوروازش، آتشی است که در تخم گیاهان وجود دارد و شکوفه گیاهان را نیک چهره می سازد.

جدول ۱. نقوش گیاهان مقدس و اساطیری در دوره ساسانی (با تاکید بر نقوش برجسته و گجبری و مهر) (مأخذ : نگارندگان)

	نقوش گیاهان مقدس و اساطیری	استفاده در	مفهوم نمادین و اسطوره ای
۱	انار	مهرها و گجبری ها	نماد باروری و حاصلخیزی و همچنین نماد بيمرگی و پردانگی انار نماد باروری ناهید می باشد

			
<p>نمادی از راستی و صداقت و وفاداری بوده و این گل همچنین نمادی از باروری و فرخندگی است و در سنت زرتشتی، گل لاله اختصاص به ایزد "اشتاد" به معنی راستی است.</p>	مهرها	گل لاله	۲
			
<p>نمادی از ایزد دئنا است که می‌تواند نمادی از وجدان و نیروی نیکوکاری انسان باشد. هم چنین گل رز مانند گل لوتوس، به نماد چرخ نزدیک است و وجه کلی آن در ارتباط با پیدایش و منتج از آب‌های اولیه است.</p>	مهرها	گل رز	۳
			
<p>نماد زندگی و باروری و رویش و واسطه خیر و برکت و رمز نیروی مقدس و بیمناکی محسوب می‌شود و در دوره ساسانی، درخت سرو، درخت نخل، درخت انجیر، درخت سدر، درخت زیتون و چنار جزء درختان مقدس محسوب می‌گشته‌اند.</p>	نقوش برجسته و مهرها و گچ بری ها	درخت مقدس (درخت زندگی)	۴
			
<p>نماد امید باروری و فراوانی می باشد</p>	گچ بری ها	انگور (تاک)	۵
			
<p>نماد کمال، شکفتن معنوی، خورشید و در نتیجه حیات، بيمرگی، باروری و زایش. مظهر میترا، آناهیتا و اهورامزدا می باشد.</p>	نقوش برجسته و گچ بری ها	نیلوفر (لوتوس)	۶

			
<p>نماد باروری، شگون و برکت و نماد پادشاهی می باشد</p>	<p>گچ بری ها</p>	<p>خرما (پالمت)</p> 	<p>۷</p>
<p>منشأ یونانی داشته و به عنوان عنصر تزیینی استفاده شده است.</p>	<p>نقوش برجسته و گچ بری ها</p>	<p>برگ کنگر (آکانتوس)</p> 	<p>۸</p>
<p>به عنوان عنصر تزیینی در کنار گیاهان دیگر استفاده شده است. در روم باستان نماد باروری و امنیت بوده است.</p>	<p>گچ بری ها</p>	<p>بلوط</p> 	<p>۹</p>
<p>مظهري از دنيای نباتی بوده و برای احترام و بزرگداشت به گیاه و نباتات بوده که مانند سایر مواهب طبیعی مفید و مورد تقدیس قرار می گرفته اند.</p>	<p>نقوش برجسته و مهرها</p>	<p>برسم</p> 	<p>۱۰</p>

پی نوشت:

۱- Astad راستی، افزایش

۲- Den

منابع:

۱. آرمسترانگ، کارن (۱۳۹۰)، تاریخ مختصر اسطوره، ترجمه: عباس مخبر، نشر مرکز، تهران.
۲. آموزگار، ژاله (۱۳۷۴)، تاریخ اساطیری ایران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران.
۳. آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد (۱۳۷۰)، اسطوره زندگی زردشت، بابل، نشر کتابسرا.
۴. اتینگهاوزن، ریچارد و یارشاطر، احسان (۱۳۷۶)، اوج‌های درخشان هنر ایران، مترجم: هرمز عبداللهی، آگاه، تهران.
۵. اسماعیل‌پور، ابوالقاسم (۱۳۸۷)، اسطوره بیان نمادین، سروش، تهران.
۶. انصاری، شهره (۱۳۶۶)، اسپرغم آینه‌ی امشاسپندان (بررسی اسطوره‌ها و بهره‌گیری‌های مذهبی و آیینی از رستنی‌های معطر و عطریات در ایران باستان)، مجله مطالعات ایرانی، شماره ۱۳۸، نرم افزار نمایه، شماره نمایه ۱۳۷، شماره بازیابی ۲۰۴.
۷. بهار، مهرداد (۱۳۸۶)، پژوهشی در اساطیر ایران، تهران، نشر آگه.
۸. پرادا، ایدت (۱۳۷۵)، هنر ایران باستان، ترجمه‌ی، یوسف مجیدزاده، دانشگاه تهران، تهران.
۹. پوپ، آرتور اپهام و اکرم، فیلیس (۱۳۸۷)، سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز جلد دوم دوره ساسانی، فصل ۳۶ و ۳۸، ترجمه، نوروززاده چگینی، ناصر و مرزبان، پرویز، علمی فرهنگی، تهران.
۱۰. خالدیان، ستار (۱۳۸۷)، تاثیر هنر ساسانی بر سفال، فصلنامه باستان پژوه، ش ۱۶، صص ۱۹-۳۰.
۱۱. خزایی، محمد (۱۳۸۵)، نقش سنت‌های هنری در شکل‌گیری هنر اسلامی، کتاب ماه هنر، آذر و دی، صص ۱۱-۲۶.
۱۲. دادور، ابوالقاسم و منصور، الهام (۱۳۸۵)، درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان، دانشگاه الزهرا، تهران.
۱۳. زکریایی کرمانی، ایمان (۱۳۸۵)، بررسی نقوش اساطیری در منسوجات ساسانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۱۴. ستاری، جلال (۱۳۷۴)، اسطوره و هنر، سروش، تهران.
۱۵. شوالیه، ژان و گریبان، آلن (۱۳۸۴)، فرهنگ نمادها (جلد اول)، ترجمه‌ی، سودابه فضائلی، جیحون، تهران.
۱۶. عقیفی، رحیم (۱۳۸۳)، اساطیر و فرهنگ ایرانی، توس، تهران.
۱۷. کاسیرر، ارنست (۱۳۸۴)، زبان و اسطوره، مترجم: محسن ثلاثی، انتشارات مروارید. چاپ دوم، تهران.
۱۸. گوبل، روبرت (۱۳۸۴)، گل‌مهرهای تخت سلیمان، ترجمه‌ی، فرامرز نجد سمیعی، سازمان میراث فرهنگی، تهران.

۱۹. گیرشمن، رومن (۱۳۹۰)، هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی، شرکت انتشارات علمی فرهنگی تهران، تهران.

۲۰. هال، جیمز، (۱۳۸۰)، فرهنگ نگاره ای نمادها در هنر شرق و غرب، تهران؛ انتشارات فرهنگ معاصر.

هینلز، جان (۱۳۹۱)، شناخت اساطیر ایران، ترجمه ی، آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد، چشمه، تهران.

Brunner, Christopher, 1980, Sasanian seals in the Moor Collection: Motive and Meaning in some Popular Subject, the Metropolitan Museum of Art, is Collaborating with Jstor to Digitize, Preserve, and Extend Access to Metropolitan Museum Journal:28-42.

Flandin, E. & Coste, P, (1851), Voyage en Perse, Perse Ancienne, Paris

Haff, D. 1987, Technological Observations on Clay Bullae from Takht- I Soleiman, Mesopotamia, vol 22.

Panofski, E (2009), Iconography and Iconology: An Introduction to the Study of Renaissance Art, In The Art of Art History, Preziosi, D, second edition, Oxford University Press Inc, New York.

Perkhanian, A, 1997, the Book of Thousand Judgments: a Sasanian low-book, New York

سایت ها:

<http://www.artblog.net>

http://www.British_Museum.com

<http://irantourism.akairan.com>

<http://www.metmuseum.org>

<http://www.raeeka.wordpress.com>

<http://www.sigilla.at/HtmlEn/index.html> .21